عکس: عرفان زادمسلطان، گروه گره

گفت‌وگو با گروه راک «گره»

ما تغییر نکردیم؛ اما جامعه تغییر کرد

سمیه قاضی‌زاده

سال‌هاست در دنیا گروه‌های موسیقی راک کارشان را با کاورکردن قطعات گروه‌های موفق پیش از خودشان آغاز می‌کنند، سال‌ها این کار را ادامه می‌دهند تا شناخته شوند و بعد از آن تصمیم می‌گیرند آثاری را که خودشان ساخته‌اند، ارائه کنند. در ایران این روند کمابیش به همین شکل جریان دارد، با این تفاوت که تا پیش از این خیلی در ایران کاورکردن، پذیرفته نبود و شنوندگان برای آن اصالتی قائل نبودند اما به نظر می‌رسد با عوض‌شدن جنس مخاطبان و موزیک‌های مورد علاقه‌شان، این مسئله هم تغییر کرده و درحال‌حاضر این کیفیت کاورکردن و اجرای دقیق، جذاب و جاندار آنهاست که اهمیت پیدا کرده است. گروه راک گره در این کار یکی از بهترین‌هاست. کمترکسی است که اجرای آنها را دیده باشد و احساس نکرده باشد که ساعاتی را در خارج از ایران و نزد گروه‌های راک شناخته‌شده‌ای مانند «اسکورپیونز»، «ای‌سی‌دی‌سی»، «متالیکا»، «سیستم آو داون» و «تول» گذرانده است؛ البته با خرید بلیتی به‌مراتب ارزان‌تر و دسترسی آسان‌تر. نکته دیگر اینکه «گره» ای‌ها دوسالی است که صاحب مجوز شده‌اند و این مسئله به کارشان شأنیت و امید داده است. با آنها که به‌تازگی کنسرت دادند و تمام بلیت‌های دو روز کنسرتشان در عرض نیم‌ساعت به پایان رسید، به گفت‌وگو نشسته‌ایم؛ گروهی نه‌چندان جوان اما با انگیزه‌ای بسیار بالاتر از بسیاری از جوان‌ترها.

در نیم ساعت همه بلیت‌هایتان برای دو اجرا به فروش رسید که این اتفاق خاص و نادری در موسیقی ایران و به‌ویژه در مورد یک گروه راک است. احساس و ارزیابی‌تان دراین‌باره چیست؟

شهروز گودرزی (خواننده): بسیار خوشحالیم البته این اتفاق دور از انتظار و اتفاقی نبود. بچه‌ها خیلی وقت است در این زمینه در حال فعالیت هستند و به‌اصطلاح خاک این کار را خورده‌اند. تا به زمانی رسیدیم که بعد از سال‌های سال توانستیم مجوز بگیریم و خودمان را در این زمینه ارائه کنیم و بعد از یکی، دو اجرای سال گذشته، کمی بیشتر دیده شدیم و این اتفاق رقم خورد. با اینکه از اول برایمان مدت‌زمان به‌فروش‌رسیدن بلیت‌ها مهم نبود، اما حالا امیدواریم دفعه دیگر از این هم باسرعت‌تر به اتمام برسد.

یعنی تا پست اینستاگرام می‌گذارید بلیت‌ها تمام شود.

شهروز: این دفعه هم همین‌طور بود و با اینکه بلیت‌فروشی با کمی جابه‌جایی شروع شد به‌سرعت همه به فروش رسید. من آن‌موقع سر کار بودم و وقتی این خبر را شنیدم، هیجان‌زده شدم.

محمد نیک (نوازنده گیتاربیس): نکته‌ای که در همه‌جای دنیا وجود دارد و در ایران کمی بیشتر به چشم می‌خورد، این است که قدر زحمتی که کشیده می‌شود، دانسته نمی‌شود. یا انتظار نتیجه‌ای را دارید اما به آن نمی‌رسید. برایمان جالب بود که زحمتمان را کشیدیم و دقیقا آن‌طوری شد که انتظار داشتیم. بین ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه موسیقایی‌مان محدود شد و این اولین‌بار بود که حس کردیم مسیری که داریم می‌رویم درست است و زحمتی که کشیدیم و انرژی‌ای که گذاشتیم را مخاطب درک کرده و برایش ارزش گذاشته است. قبل از کنسرت و در همین ماجرای بلیت‌فروشی احساس کردیم به نتیجه و موفقیتی که می‌خواستیم، رسیده‌ایم.

سالن آزادی هم تبدیل شده به مأمنی برای گروه‌هایی که قبلا زیرزمینی بوده‌اند یا کمتر شناخته‌شده‌اند یا راک هستند. نظرتان درباره این سالن چیست؟

شهروز: دست‌اندرکاران این سالن، ما و گروه‌های دیگر را کمک و حمایت می‌کنند. مثلا در مورد گروه ما هم چون می‌دانستند مخاطبان‌مان زیاد هستند ردیف و صندلی اضافه کردند اما وسع‌شان بیشتر از این نیست. اما به نظر می‌رسد دیگر از این به بعد باید به دنبال جایی با ظرفیت بیشتر باشیم چون همین الان هم تقاضاهای زیادی داشتیم که کنسرت را تمدید کنیم. اما از آنجایی که همه مجبوریم از کارمان مرخصی بگیریم، برای تمدید مشکل داریم.

گفتید سر کار بودید؛ ظاهرا همه‌تان راک‌استارهای کارمند هستید. درست است؟

شهروز: همه‌مان نه، ولی بعضی‌هایمان هستیم.

می‌شود درباره کارهایتان پرسید؟

نوید رهبر (نوازنده کیبورد): من از آنجایی که رشته تحصیلی‌ام موسیقی بود، بیشتر در همین زمینه کار می‌کنم؛ صدابرداری، آهنگ‌سازی، تدریس پیانو و... .

بهزاد اشعاری (درامر): من هم با نوازنده‌های پاپ کار می‌کنم و هم پروژه‌های شخصی را پیش می‌برم.

محمد: کار من هم نوازندگی و تدریس است.

شهروز: من ناظر جوشکاری هستم. من و سهیل از هفت صبح تا پنج بعدازظهر در شرکت هستیم و بعد از آن تا ۱۰ شب هنرجو داریم. ۱۱ شب تازه می‌توانیم به کانون گرم خانواده بپیوندیم!

سهیل زرین‌کلک (نوازنده گیتارالکتریک): من هم در حوزه آی‌تی و تدریس و نوازندگی فعالیت می‌کنم.

آندره خاچیکیان (نوازنده گیتارالکتریک): من هم مدرس گیتار هستم و آهنگ‌سازی می‌کنم.

کنسرت‌های اخیرتان نسبت به چهار، پنج سال پیش متفاوت شده است. این تفاوت به دلیل اضافه‌شدن تعداد قطعات است؟

شهروز: تفاوتش از نظر ارائه کار نبود. بخشی از آن می‌توانست شوآف باشد چون واقعا نمی‌دانستیم چطور باید این کار را ارائه دهیم. آدم‌ها وقتی این کار را می‌بینند واقعا تعجب می‌کنند. کسانی که تازه بلیت می‌خرند و می‌خواهند این کار را تجربه کنند، می‌گویند احساس می‌کنیم دو ساعت خارج از ایران هستیم. شاید همین تازگی و تعجب‌آوربودن باعث شده که بار اول در پنج روز، بار دوم در ۱۰ ساعت و بار سوم در کمتر از یک ساعت بلیت تمام شود و الان دیگر اصلا به این زمان‌ها کاری نداریم. فقط می‌خواهیم کارمان را به بهترین نحو ارائه دهیم. الان متوجه شده‌ایم سطح کارمان باید در چه اندازه‌هایی حفظ شود. تفاوتش همین است وگرنه کیفیت کارمان چندین سال است که همین است.

الان چندمین سال فعالیت گروه گره است و اصلا چطور به هم رسیدید؟

شهروز: آقای هادی کیانی سال ۹۳ با من تماس گرفتند و پیشنهاد تشکیل گروهی بامجوز را دادند من هم با کمال میل قبول کردم و شروع به انتخاب نوازندگان کردیم. گروه گره بعد از گذشت یک سال مجوز گرفت و فعالیت رسمی‌اش را در اجرای موسیقی راک آغاز کرد. شاید گروه گره جدید به نظر بیاید، اما از سال‌ها قبل همه همدیگر را می‌شناختیم. چون تعداد معدودی هستند که در این زمینه حرفه‌ای کار می‌کنند. اگر هم همدیگر را ندیده بودیم، دورادور یکدیگر را می‌شناختیم.

اصلا در ایران چطور حرفه‌ای می‌شوید؟ کسی که می‌خواهد موسیقی راک را دنبال کند، چطور می‌تواند حرفه‌ای شود؟ کجا باید این کار را دنبال کند؟

شهروز: واقعا نمی‌دانم جواب این سؤال چه می‌تواند باشد. این قضیه کاملا خودجوش است. نمی‌توانید معلم آواز راک پیدا کنید. باز الان از زمان شروع فعالیت ما بهتر شده است چون آن موقع اینترنت هم نبود.

محمد: الان در بحث نوازندگی غیر از خودم همه بچه‌ها در کارشان استاد هستند. کسی که بخواهد در این سبک گیتار یاد بگیرد، سهیل می‌تواند لقمه آماده‌شده را به او بدهد اما اینکه چطوری این لقمه را آماده کرده، برای خودش داستانی است. مثلا در خیابان تخت‌طاووس جایی بود که می‌رفتیم متود می‌خریدیم. حتی اجازه نداشتیم نگاهشان کنیم همین‌طوری می‌خریدیم اصلا نمی‌دانستیم به درد می‌خورد یا نه. الان همه‌مان در خانه کلی از این متودها داریم که خیلی‌هایشان شبیه هم هستند و به دردمان هم نمی‌خورند. آن موقع کسی نبود اینها را به ما درس بدهد، خودم باید تحلیل می‌کردم که چطوری تمرین کنم. الان همان‌ها را به هنرجویم می‌گویم اما دیگر نکاتش را می‌دانم. ما در این قضیه کمی هم سوختیم چون کسی نبود که راهنمایی‌مان کند. همه‌اش آزمون و خطا بود. خودم تا صبح بیدار می‌ماندم یا سر یک قطعه گریه هم کرده‌ام که چرا این قطعه نمی‌شود. این تجربیات را همه دارند.

> **بهزاد اشعاری: کلا در مقایسه با موسیقی پاپ، اگر از لحاظ مجوز و اسپانسر و ... شرایط یکسان باشد، کیفیت کار در جامعه راکرها خیلی‌خیلی بیشتر است. اما فیلترها بسیار زیاد است. مثل این است که آنها با سرعت بدوند و ما با یک پا بخواهیم بدویم**
>
> **شهروز گودرزی : دقیقا. دونده‌هایی که نشسته‌اند و نمی‌توانند از تمام توانشان استفاده کنند**

شهروز: حالا درست است در ظاهر این گروه دو سال است که تشکیل شده اما درواقع از همان ۲۰ سال اعضای گروه در گروه‌های دیگر یا زیرزمینی فعالیت می‌کردند. اما چون شرایط بودنش فراهم نبوده و مجوز نداشته، گره تشکیل نشد. وقتی شرایط فراهم شد، می‌دانستیم باید چه کسانی دور هم جمع شویم. مثلا برای درام یا بیس یا گیتار تکلیف مشخص بود نه اینکه اتفاقی باشد. ما ۱۵ سال قبل هم همین‌ها بودیم (شاید با سطح حرفه‌ای کمی پایین‌تر) و اگر می‌خواستیم کارمان را همان موقع ارائه کنیم، شدنی بود. اما خیلی از کسانی که همان موقع کارشان را به اسم راک ارائه می‌دادند، الان نمی‌توانند بلیت بفروشند چون مردم برای هزینه‌ای که می‌کنند، فکر می‌کنند.

چطور شد که اسم گروه را «گره» گذاشتید؟

شهروز: تعداد زیادی اسم انتخاب کردیم و به وزارت ارشاد بردیم ولی با آنها موافقت نشد و درنهایت همین اسم انتخاب شد.

اسمی که بیشتر مورد علاقه‌تان بود، چه بود؟

شهروز: «پل» بود. چون می‌خواستیم یک پل ارتباطی بزنیم و این سبک موسیقی را به صورت حرفه‌ای به مردم ارائه کنیم. اما ظاهرا این اسم قبلا استفاده شده بود. ۲۰ اسم دیگر هم همین‌طور. اوایل فکر کردیم حالا که اسم گروه را گره گذاشته‌ایم، چقدر کارهایمان قفل می‌شود و گره می‌خورد! اما بعد دیدیم با اینکه اسم ساده‌ای است اما معنای خودش را می‌رساند. ما از قدیم به هم گره خوردیم که الان در قالب حرفه‌ای کنار هم هستیم.

الان بعد از انتشار تک‌تراک‌ها و دادن کنسرت‌ها به نظر خودتان کجا ایستاده‌اید؟

محمد: فکر می‌کنم جای ما تغییر نکرده، بلکه این جامعه است که کمی تغییر کرده. بزرگ‌ترین سدی که در این سال‌ها داشتیم این بود که جامعه قبول‌مان نداشت و جدی نمی‌گرفت. از خانواده و اطرافیان گرفته تا جامعه بزرگ‌تر و حتی موزیسین‌ها و کسانی که از آنها انتظار داریم. همه فکر می‌کردند کاری که می‌کنیم پوچ است و با موفقیت همراه نخواهد شد. حالا جامعه تغییر کرده و به سمت دیگری می‌رود و ما هم همسو با آن شدیم و به آن کمک می‌کنیم. سعی کردیم سالم زندگی کنیم چون یکی از سدهایی که برای موسیقی در این سال‌ها وجود داشت این نگاه بود که این افراد لاابالی هستند. مثلا هنرجویی دارم که با پدرش می‌آید و او نگران است که حال پسرش بد نشود. الان می‌توانم این جواب را بدهم که پسرت می‌تواند شبیه من شود اما اگر مشکل داشتم، نمی‌توانستم این را بگویم. این هدفی بود که از اول داشتیم. دلیل این که زندگی‌مان کمی سخت شد همین بود. خیلی‌ها هم هستند که جور دیگری زندگی می‌کنند و به موسیقی‌شان هم برنخورده. اما هدف ما از اول متفاوت بود.

البته قطعا گروه‌ها و طرز فکرهایی شبیه شما در این تغییر جامعه مؤثر بوده‌اند. با تمام این اوصاف، چیزی که برای پنج سال آینده خودتان می‌بینید و نقشه‌ای که هرکدام به‌شخصه در ذهن‌تان دارید یا برای گروه تعریف کرده‌اید، چیست؟

شهروز: دید بلندمدتی که می‌گویید درباره ما خیلی قابل قبول نیست چون شرایط در ایران می‌تواند بسیار تغییر کند. نیمه پر لیوان را می‌بینیم و امیدواریم این شرایط ادامه‌دار باشد و ما هم بتوانیم ادامه بدهیم. برنامه‌هایمان آن‌قدر زیاد است که شاید روی کاغذ ۱۰ صفحه شود؛ با اجراهای بیشتر و تولید موسیقی حرفه‌ای. جایگاه خودمان را می‌دانیم و داریم کارمان را ارائه می‌کنیم. طرفداران هستند که دارد دستگیرشان می‌شود که می‌توانند موزیک را با کیفیت خیلی بهتر در اجرا داشته باشند.

و اینکه شما بسیار جدی هستید...

شهروز: دقیقا یکی از خصوصیات کار ما این است که در کارمان کاملا جدی هستیم. تعارفی در کار نیست. کار از رفاقت‌مان جداست.

در تمرین‌هایتان هم این جدیت و مقرراتی‌بودن به چشم می‌خورد درحالی‌که در گروه‌های دیگر شاید کمتر این اتفاق می‌افتد.

بهزاد: کلا در مقایسه با موسیقی پاپ، اگر از لحاظ مجوز و اسپانسر و ... شرایط یکسان باشد، کیفیت کار در جامعه راکرها خیلی‌خیلی بیشتر است. اما فیلترها بسیار زیاد است. مثل این است که آنها با سرعت بدوند و ما با یک پا بخواهیم بدویم. نتیجه این شرایط این می‌شود که جامعه موسیقی محصول این شرایط را نمی‌شنود و بعد از سال‌ها تلاش و خاک‌خوردن همه، تازه به جایی می‌رسد که ۴۰۰،۵۰۰ نفر یا هزار نفر را می‌شود یک جایی جمع کرد و کاری با کیفیت بالا را ارائه کرد. در حالی که یک خواننده پاپ خیلی راحت می‌تواند دو، سه هزار نفر را یک‌جا جمع کند چون تبلیغات دارد و حتی می‌تواند بیلبورد داشته باشد. اینجا بی‌عدالتی وجود دارد اما اگر شرایط یکسان باشد، شاید در ۱۰ سال آینده می‌شود اجراهای بزرگ‌تر گذاشت، مخاطبان بیشتر می‌شوند و حتی می‌شود زندگی‌ها طوری شود که بچه‌ها مجبور نشوند سر جوشکاری بایستند، بلکه کارشان چیزی شود که در آن حرفه‌ای هستند و تمرکزها و درنتیجه کیفیت‌ها بالاتر می‌رود و موزیک ایران در این زمینه حرفی برای گفتن خواهد داشت.

بنابراین در مقایسه با موسیقی پاپ تک-پا نیستید؛ بلکه دونده‌هایی هستید که روی ویلچر بسته شده‌اید!

شهروز: دقیقا. دونده‌هایی که نشسته‌اند و نمی‌توانند از تمام توانشان استفاده کنند.

بهزاد: و اگر بتوانند بلند شوند، کیفیت کارشان از خیلی از کارها بیشتر است.

سال‌هاست که راک کار کرده‌اید و طرفدار این سبک هستید. کسانی شبیه شما، بیشتر به خارج‌شدن از کشور فکر می‌کنند؛ به‌ویژه با دردسرهای مجوز. چه چیزی شما را در ایران نگه داشت؟

آندره: جایی که رشد می‌کنید و بزرگ می‌شوید و با آن انس می‌گیرید، دوست دارید توانایی‌هایتان را در آنجا به اشتراک بگذارید. در همان‌جاست که آدم آرامش دارد و می‌تواند کار احساسی انجام دهد. در کل دنیا کمتر بندی هست که از جایی که به دنیا آمده‌اند مهاجرت کرده باشند و صدایی از آنها بلند شده باشد. بندهای فرانسوی و لهستانی هستند که توانسته‌اند کارهایشان را صادر کنند اما وقتی که در کشور خودشان اول بزرگ شده‌اند. چون آدم کنار خانواده و دوستان و کسانی که دوستشان دارد، می‌توان بیشترین آرامش را داشته باشد و کار هنری کند. وگرنه در هر کشور دیگری آن‌قدر دغدغه زنده‌ماندن وجود دارد که هنر و احساس جایگاهش را از دست می‌دهد.

بهزاد: نکته دیگر این است زمانی که این موسیقی شکل گرفته، برای بیان درد بود. بخش مهمی از اروپا و آمریکا اصلا آن‌قدر دردمند نیستند که پذیرای این موسیقی باشند. شاید برای آنها ادا شده ولی ما خیلی واقعی‌تر هستیم. مثلا وقتی شهروز از شغلش می‌گوید، باید از نزدیک ببینید و لمسش کنید. وقتی زندگی این آدم را می‌دانم و او از درد می‌گوید راحت‌تر قبول می‌کنم تا وقتی که بدانم دارد خیلی راحت زندگی می‌کند و فقط دارد ادا درمی‌آورد چون از درد خواندن تبدیل به یک بت شده است. الان کشورهایی شبیه ایران (مثل تونس) که حتی مسلمان هستند، این موسیقی را کار می‌کنند اما بین همه اینها، ایران جایگاه بهتری دارد اگر اجازه کار داده شود.

شهروز: همین که از ما می‌پرسید که چرا از اینجا نرفتید، به خاطر این است که می‌دانید اینجا بستر برای فعالیت ما فراهم نیست. اگر بشود کار را ارائه کرد، چه جایی بهتر از کشور خود آدم؟ جایی که همه حرف آدم را می‌فهمند بهترین انتخاب است. این را بگویم که اگر نرفته‌ایم خواست خدا بود. به‌شخصه همیشه می‌خواستم بروم. تا قبل از مجوز هر روز می‌خواستم بروم اما الان اگر شرایطش کاملا فراهم باشد هم نمی‌روم. چون آن موقع می‌خواستم بگویم که می‌شود کار استاندارد و تمیز انجام داد. می‌شود درست روی آکورد بخوانیم و برایمان کف بزنند. وقتی فشار وجود دارد آدم راهی جز رفتن نمی‌بیند ولی وقتی می‌توان کار ارائه کرد، برای من ایرانی جایی بهتر از ایران نیست.

آندره: این یک اصل است که نه یک ایرانی می‌تواند خودش را راحت در آمریکا شکوفا کند و نه برعکس.

نوید: مثلا در ۱۵سالگی، در قالب کار پژوهشی در آموزشگاه‌ها با جمعیت کم کارهایی را ارائه می‌دادیم. حتی یک بار (فکر می‌کنم ۱۶، ۱۷سالم بود) تا پای اجرا رفتیم اما کنسرت کنسل شد. این اتفاق بارها تکرار شد. چون برای کنسرت و حتی زندگی‌ات برنامه‌ریزی کرده‌ای، یک‌دفعه همه‌چیز به هم می‌ریزد. با یک امضانکردن یا موافقت‌نکردن، برنامه و سرنوشت چند گروه تغییر می‌کند. حالا با وجود این مشکلات، الان برایمان خیلی لذت‌بخش بود که در همان جامعه می‌توانیم اجرا داشته باشیم. مخصوصا با بچه‌های قوی. چون به‌شخصه روی کار خوب و تمیز و باکیفیت خیلی وسواس دارم. از آنجایی که کارهایی که انجام می‌دهیم از گروه‌های تاپ دنیاست، با وجود اینترنت پرسرعت که در اختیار همه هست، به‌سرعت اجراهایمان مقایسه می‌شود. طبیعتا مقایسه کار کاور با اورجینال خیلی سخت است؛به‌ویژه درباره صدای خواننده. چون حتی شاید بهتر از اورجینال هم بشود اما باز پذیرش آن سخت است. بازخوردی که از یکی، دو کنسرت اخیر گرفتم نشان داد که کارمان حتی از اورجینال‌هایشان هم بهتر است.

این دیگر از آن حرف‌هاست!

نوید: پیشنهاد می‌دهیم تست کنید. اجرای زنده بعضی از آهنگ‌ها را در اینترنت گوش کنید و خودتان مقایسه کنید. مسئله این است که آنها هرچه بزنند، همه می‌گویند بهترین است.

در دوره‌ای که مجوز نداشتید، در فستیوال‌های مختلف شرکت کردید. آنجا سطح‌تان در مقایسه با سایر گروه‌ها چطور بود؟

شهروز: وقتی از ایران به کشور دیگری برای فستیوال می‌روید، همان ابتدا اصلا شما را جدی نمی‌گیرند. حتی جایی از من پرسیدند از عراق آمده‌ای؟ و وقتی تأکید کردم که از ایران آمده‌ام، دیدم خیلی ما را نمی‌شناسند. اما وقتی اجرایمان را دیدند، رفتارشان واقعا متفاوت شد. قبلش فکر می‌کردم اینها از ما خیلی قوی‌تر هستند اما بعد دیدم که آنها از ما خیلی قوی‌تر نیستند؛ فقط ما اینجا شرایط ارائه کار را نداشتیم وگرنه خارج از ایران هم خبری نیست.

نوید: یک دلیلش هم این است که الگوی ما اینترنتی است و خودمان را با بهترین‌ها مقایسه می‌کنیم و این خودش فاصله را کم می‌کند.

ما در ایران خیلی دیر به راک رسیدیم...

نوید: خیلی دیر به موسیقی رسیدیم.

ادامه در صفحه ۱۱

مضراب

آغاز به کار «سوییت بتهوون»

گروه هنر: بابک چمن‌آرا، مدیر مرکز موسیقی بتهوون، خبر از راه‌اندازی چهارمین فروشگاه زیرمجموعه این مرکز داد. فروشگاه «سوییتِ بتهوون»، چهارمین فروشگاه مرکز موسیقی بتهوون است که از یکشنبه، ۲۸ خرداد در مجموعه پردیس تئاتر شهرزاد شروع به کار می‌کند.

بابک چمن‌آرا درباره این فروشگاه می‌گوید: «فروشگاه سوییتِ بتهوون ضمن عرضه محصولات تولیدشده مرکز موسیقی بتهوون و مؤسسه آواخورشید و مجموعه کامل فیلم-تئاترها، سعی در ارائه و معرفی گزیده آثار صوتی و تصویری جدید، مهم و ارزشمند عرصه موسیقی، تئاتر و سینما دارد. ما الان چهار فروشگاه در سالن‌های تئاتر داریم که به ما در عرضه محصولات در جغرافیای فرهنگی کمک خواهد کرد و تلاش می‌کنیم که این فروشگاه‌های کوچک را بیشتر کنیم و حتی در فکر شهرستان‌ها نیز هستیم». این فروشگاه در مجموعه پردیس تئاتر شهرزاد قرار دارد که دارای دو سالن با ظرفیت ۳۰۰ نفر و یک سالن با ظرفیت ۱۳۰ نفر و کافه- رستوران شهرزاد است؛ این مجموعه در خیابان نوفل‌لوشاتو (فرانسه سابق)، نرسیده به تقاطع رازی قرار دارد. فروشگاه «سوییتِ بتهوون» پس از «کوارتت بتهوون» در تئاتر مستقل تهران، «روندو بتهوون» در تماشاخانه ایرانشهر و «سرناد بتهوون» در تماشاخانه پالیز، چهارمین فروشگاهی است که با هدف عرضه بهتر محصولات فرهنگی و هنری به مرکز موسیقی بتهوون اضافه شده است. بابک چمن‌آرا همچنین خبر از جابه‌جایی فروشگاه مرکزی موسیقی بتهوون (در خیابان سنایی) و نقل‌مکان آن به میدان سنایی داد که به‌زودی خبرهای مربوط به آن اعلام می‌شود.

گلاب آدینه و آثار خلج

گروه هنر: برنامه «سنگلج با خلج» با هنرمندی گلاب آدینه، سخنرانی قطب‌الدین صادقی و حضور مهدی شفیعی، مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی و در ارتباط با آثار اسماعیل خلج افتتاح خواهد شد.

برنامه نمایش‌نامه‌خوانی آثار اسماعیل خلج با صحبت‌های قطب‌الدین صادقی و مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی در ارتباط با آثار این نمایش‌نامه‌نویس، روز چهارشنبه، ۳۱ خرداد آغاز خواهد شد. نمایش‌نامه‌خوانی آثار اسماعیل خلج تحت عنوان «سنگلج با خلج» از تاریخ ۳۱ خرداد تا دوم تیرماه در تماشاخانه سنگلج برگزار می‌شود.

این آثار به کارگردانی خود نویسنده و با حضور بازیگرانی همچون گلاب آدینه، مریم بوبانی، شادی صیادی‌نیا، اکبر رحمتی، مهدی میامی، مجید گیاهچی، محمد صدیق‌مهر و اسماعیل خلج خوانش خواهد شد.

برنامه «سنگلج با خلج» به این صورت خواهد بود که در شب اول، نمایش‌نامه «گلدونه‌خانم»، در شب دوم، دو نمایش‌نامه «صغری‌دلاک» و «بابا شیرعلی» و در شب سوم، بخش‌هایی از نمایش‌نامه‌های «داستان‌های ناتمام»، «هفت نمایش‌نامه کوتاه» و «جمعه‌کشی» از سوی بازیگران نمایش‌نامه‌خوانی خواهد شد. برنامه نمایش‌نامه‌خوانی آثار اسماعیل خلج با سخنان قطب‌الدین صادقی و مدیرکل مرکز هنرهای نمایشی در ارتباط با آثار این نمایش‌نامه‌نویس، روز چهارشنبه ۳۱ خرداد و در ساعت ۱۸ آغاز خواهد شد. این برنامه تا دوم تیرماه ادامه دارد و علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه بلیت به سایت www.tiwall.com مراجعه کنند.

روی خط سل

آلبوم «ساری‌گلین» منتشر شد

آلبوم «ساری‌گلین»، اولین اثر رسمی «سهیل سلیم‌زاده»، از سوی مؤسسه فرهنگی و هنری «آوای باغ مهر» روانه بازار موسیقی شد.

«سهیل سلیم‌زاده»، آهنگ‌ساز جوان کشورمان، اولین آلبوم خود را تحت عنوان «ساری‌گلین» در فضایی از موسیقی فولکلور و مشتمل بر ۱۱ قطعه با عناوینی چون رقص یالی، بری باخ، ساری گلین، گلابتون، کوچه لره سوسپمیشم، باسقالی، لالایی، فریدم، سلیانی، آبریلیق و قره‌باغ، به انتشار رسانده است. این قطعات از ساخته‌های «آفتاندیل اسرافیل‌اف»، «فکرت امیروف»، «علی سلیمی» و «پولاد بولبول‌اوغلو» هستند.

غالب تنظیمات و فضای حاکم بر قطعات این آلبوم ارکسترال است و سلیم‌زاده، موسیقی و ملودی‌های فولکلور آذری را دست‌مایه کار خود قرار داده. بسیاری از آهنگ‌های این مجموعه، ملودی‌های پرطرفداری است که حتی غیرآذری‌زبان‌ها هم از شنیدنش لذت می‌برند و شاید بی‌کلام‌بودن این مجموعه به این ارتباط کمک بیشتری کرده است.

بهنام شهرکی (درامز، میکس‌ومسترینگ)، ناصر رحیمی (فلوت، پیکولو)، امیر احمد راست‌بد (کمانچه)، سهیل سلیم‌زاده (ویلن، آلتو، ویلن‌سل، سینتی‌سایزر) و سینا سلیم‌زاده (پیانو) همراه با چند هنرمند پیش‌کسوت موسیقی آذری همچون «رامیز قلی‌اف»، «اعتبار قاسم‌بیک» و «وحید اسداللهی» در این آلبوم هنرنمایی کرده‌اند.

علاقه‌مندان می‌توانند نسخه اورجینال آلبوم «ساری‌گلین» را از مراکز معتبر فروش در بازار موسیقی تهیه کنند.

دومین کنسرت گروه «پازل» در تهران برگزار می‌شود

«پازل‌بند» پس از اجرای پرسروصدای دهم دی‌ماه سال گذشته که نخستین کنسرت رسمی این گروه نیز محسوب می‌شد، پس از اخذ مجوزهای لازم در تاریخ ششم مرداد در تهران برای دومین‌بار روی صحنه خواهد رفت.

برگزارکنندگان این کنسرت در حال برنامه‌ریزی برخی اتفاقات نمایشی و پرفورمنس در این اجرا هستند و گفته می‌شود همچون کنسرت قبلی این گروه که با جلوه‌های خاص بصری برای نخستین‌بار در تهران روی صحنه رفت، این‌بار نیز باید منتظر اتفاقاتی جالب برای نخستین‌بار در این اجرا باشیم.

علی رهبری و آرین بهاری اعضای «پازل‌بند» را تشکیل می‌دهند و آلبوم «قایق کاغذی» از این گروه سال گذشته روانه بازار موسیقی کشور شد.

این کنسرت به همت مؤسسه «آوازی نو» و به تهیه‌کنندگی «حسن اردستانی» برگزار خواهد شد و محمد ناصری نیز مدیر اجرائی «پازل‌بند» است.

به کارگردانی رضا موسوی و آهنگ‌سازی پیمان خازنی

پرفورمنس تار و دیوار برگزار می‌شود

پرفورمنس «تار و دیوار» به کارگردانی رضا موسوی و آهنگ‌سازی پیمان خازنی، ۲۳ تیر سال جاری در تالار رودکی تهران برگزار می‌شود.

خازنی درباره این پرفورمنس توضیح داده است: «تار و دیوار، یک برخورد استعاری است با جهان پیرامونمان و اعتراضی به محدودیت‌ها و مصنوعیت‌هایی که ما برای هنر خود به وجود می‌آوریم. در واقع «تار و دیوار» ادامه نگاه من به مفهوم آزادی در خلق اثر هنری است. سال‌هاست امکان و پیشنهادات متفاوتی را برای روی‌صحنه‌بردن آثارم داشته‌ام؛ ولی ترجیح دادم آن‌قدر مقاومت کنم تا آن‌گونه که می‌پسندم، آثارم اجرا شود. حالا فرصت آن رسیده تا بتوانم یک اتفاق درخور را رقم بزنم. آلبوم «همهمه کاشی‌ها» اثری است که امکان بسط و گسترش را به من می‌دهد و این به خودی خود، جرقه‌ای شد که من به سمت فرم اجرائی‌ای که به آن علاقه دارم؛ یعنی پرفورمنس، بروم. البته ایده‌های درخشان رضا موسوی من را بیشتر تشویق کرد تا بتوانم به مفهوم مدنظرم درباره آنچه اجرا محسوب می‌شود، نزدیک شوم».

رضا موسوی، کارگردان، نگین شکیبا، ساناز رئیسی و علی کوزه‌گر، گروه کارگردانی، هلیا محمدولی، نوازنده ویلن، کوروش کشاورز، نوازنده ویولن‌سل، ارغوان منتظری، نوازنده فلوت، پریسا دلفانی، نوازنده سوپرانو، امیرحسین محمدخانی، نوازنده ابوا، پیام سوری، نوازنده پیانو، شایان یزدی‌زاده، نوازنده سازهای کوبه‌ای، پیمان خازنی، نوازنده تار، سیاوش عبدی، نوازنده آکوستیک‌افکت، آستیاژ ضیایی، دستیار آهنگ‌ساز، محمود توسلیان، مشاور رسانه‌ای، فرزام شکاری، مدیر اجرائی و جاوید علی‌پور، عکس و فیلم، گروه اجرائی این برنامه را تشکیل می‌دهند.